

## نگرشی بر فضایل امام علی علیه السلام در منابع اهل سنت

حجت الاسلام والمسلمین عبدالرحمن انصاری\*

### اشاره

سخن گفتن درباره ابعاد زندگی امام علی علیه السلام دشوار است؛ انسانی که به بزرگی تاریخ است و تمام خوبی‌ها و کمالات، در او به تنهایی جمع شده است؛ در عین حال، اگر نتوان به همه ابعاد زندگی آن امام همام پرداخت، به اندازه توان می‌توان به معرفی قطره‌ای از دریای فضایل ایشان پرداخت. آنچه در این نوشتار در معرض دید شما قرار گرفته، مختصری است از فضایل امام علی علیه السلام که در منابع اهل سنت آمده است. مقاله حاضر، در سه بخش: آیات، روایات و دیدگاه دانشمندان اهل سنت سامان یافته است.

### الف - آیات

آیات بسیاری در قرآن کریم آمده که به فضایل امام علی علیه السلام اشاره دارد. برخی از این آیات، مختص به ایشان است و شأن نزول آن نیز مربوط به حضرت علیه السلام می‌باشد. شماری دیگر از آیات، درباره اهل بیت علیهم السلام است که مصداق بارز آن، امام علی علیه السلام است. گروه

---

\* پژوهشگر.

دیگر، آیاتی هستند که درباره: مخلصین، متوکلین، مؤمنین و ایثارگران نازل شده و مصداق بارز این افراد نیز امام علی علیه السلام می باشد. ابن عباس می گوید: «سیصد آیه درباره علی علیه السلام نازل شده است.»<sup>۱</sup> در ادامه، به تعدادی از این آیات اشاره می شود.

### ۱. ایثار بزرگ

آیه ۲۰۷ سوره بقره درباره علی علیه السلام نازل شده است: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يُشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ؛ بعضی از مردم، جان خود را به جهت خشنودی خدا می فروشند و خداوند نسبت به بندگان، مهربان است.»

امام ثعلبی درباره شأن نزول این آیه به داستان «لیلة المییت» اشاره کرده، می نویسد: هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تصمیم گرفت مهاجرت نماید، برای ادای دین های خود و باز پس دادن امانت هایی که نزد او بود، علی علیه السلام را جانشین خویش قرار داد و شب هنگام که می خواست به سوی غار «ثور» برود، به علی علیه السلام دستور داد که در بستر حضرت بخوابد. پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ان شاء الله، از سوی آنان آسیبی به تو نخواهد رسید.

در آن شب، مشرکان اطراف خانه پیامبر صلی الله علیه و آله را محاصره نمودند و قصد حمله به حضرت را داشتند. علی علیه السلام بر اساس دستور پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کرد و در بستر وی آرامید. در این هنگام، خداوند به «جبرئیل» و «میکائیل» وحی کرد که من میان شما برادری ایجاد کردم و عمر یکی از شما را طولانی تر نمودم. کدام یک از شما حاضر است جان خود را ایثار کند و زندگی دیگری را بر خود مقدم دارد؟ هیچ کدام [از دو فرشته] نپذیرفتند. آن گاه به آنان وحی فرستاد که اکنون علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله خوابیده و خویشتن را آماده نموده تا جان خود را فدای پیامبر صلی الله علیه و آله نماید. به زمین بروید و از او محافظت نمایید. چون به زمین آمدند، جبرئیل بالای سر و میکائیل پایین پای علی علیه السلام نشستند. جبرئیل می گفت: «به به، آفرین بر تو ای علی بن ابی طالب! خداوند با این عمل [تو]، به فرشتگان مباحثات می کند.»

۱. الخطیب البغدادی، ابوبکر، تاریخ بغداد، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ج ۶، ص ۲۲۱.

آن‌گاه خداوند درباره علی (ع) این آیه را بر رسول خود که عازم مدینه بود، نازل کرد.<sup>۱</sup>

## ۲. علی (ع)، جان محمد (ص)

آیه ۶۱ سوره آل عمران، علی (ع) را به منزله جان رسول خدا (ص) به حساب می‌آورد: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ؛ هرگاه بعد از علم و دانشی که [درباره مسیح] به تو رسید، [باز] کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند، به آنان بگو: بیاید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را. ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را. ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود. آن‌گاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.»

آیه شریفه درباره نصارای نجران نازل شد؛ هنگامی که رسول خدا (ص) آنان را به مباحله دعوت فرمود و زمانی برای آن معین شد. آن‌گاه رسول خدا (ص) همراه امام حسن (ع) و امام حسین (ع)، در حالی که علی (ع) پشت سر حضرت (ص) و فاطمه (ع) پشت سر علی (ع) بود، به وعده‌گاه رفتند. پیامبر (ص) به همراهان خود فرمود: هرگاه من دعا کردم، شما آمین بگویید. اسقف مسیحیان که این صحنه را مشاهده کرد، به آنان گفت: من صورت‌هایی را می‌بینم که اگر از خداوند درخواست نمایند تا کوه‌ها را از جا برکنند، چنین خواهد شد؛ هرگز با آنان مباحله ننمایید که هلاک خواهید شد. سرانجام، مسیحیان حاضر شدند که جزیه بدهند و بر دین خود باقی بمانند.<sup>۲</sup>

در این آیه، منظور از «انفسنا»، تنها علی (ع) است؛ او است که به منزله نفس و جان پیامبر (ص) به حساب آمده است. همچنین، «ابناءنا» به حسن و حسین (ع) و «نساءنا» به فاطمه (ع) اشاره دارد.<sup>۳</sup>

۱. الثعلبی، ابواسحاق، الکشف والبیان (تفسیر ثعلبی)، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۲۵-۱۲۶؛

حنبل، احمد، مسند احمد، بیروت: دار صادر، ج ۱، ص ۳۳۱.

۲. فخر رازی، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق، ج ۴، جزء ۸، ص ۶۱.

۳. السیوطی، عبدالرحمن جلال‌الدین، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۳۱.

سعد بن ابی وقاص می گوید:

چون آیه مباحله نازل شد، رسول خدا ﷺ علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن و حسین علیهما السلام را دعوت کرد و سپس فرمود: «اللهم هؤلاء اهلی؛ خدایا! اینان خالصان و نزدیکان من اند.»<sup>۱</sup>

شعبی می گوید: «مراد از "انفسنا" علی علیه السلام است.»<sup>۲</sup>

در تفسیر قرطبی<sup>۳</sup> و تفاسیر و منابع دیگر اهل سنت نیز به این موضوع اشاره شده که پیامبر ﷺ این چهار نفر را همراه خود برای مباحله بُرد. پیامبر خدا ﷺ در میان صحابه بزرگ و خویشان و شیفتگان و همسران متعدد خود، تنها این چهار تن را برای دعا و تضرع و مباحله برگزید و علی علیه السلام را به عنوان جان و نفس خود انتخاب نمود که این فضیلتی بس بزرگ به شمار می آید.

### ۳. بخشش انگشتر در رکوع

آیه ۵۵ سوره مائده، در مقام تکریم علی علیه السلام به جهت بخشش انگشتر خویش در حال رکوع، نازل شده است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ سرپرست و رهبر شما، تنها خدا است و پیامبر او و آنان که ایمان آورده اند و نماز را بر پا می دارند و در حال رکوع، زکات می پردازند.»

آلوسی می نویسد: بیشتر روایان اخبار معتقدند که این آیه درباره علی علیه السلام نازل شده است.<sup>۴</sup>

از ابن عباس نقل شده که: این آیه درباره علی علیه السلام نازل شده است.<sup>۵</sup>

در روایت دیگر از ابوذر حدیثی آمده که در یکی از روزها در مسجد با رسول خدا ﷺ نماز ظهر می خواندم که سائلی وارد شد و از مردم تقاضای کمک کرد؛ ولی کسی چیزی

۱. همان، ص ۲۳۳.

۲. الواحی، ابی الحسن علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، ریاض: دار المیمان، ۱۴۲۶ق، ص ۲۲۸.

۳. القرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۶۷.

۴. الآلوسی البغدادی، شهاب الدین محمود، تفسیر روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق، ج ۴،

ص ۲۴۴ - ۲۴۵.

۵. فخر رازی، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، پیشین، ج ۱۲، ص ۲۳.

به او نداد. او دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! شاهد باش که من در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله تقاضای کمک کردم؛ ولی کسی به من چیزی نداد. در همین حال، علی علیه السلام که در حال رکوع بود، با انگشت کوچک دست راست خود به سائل اشاره کرد. سائل آمد و انگشتی را که در دست علی علیه السلام بود بیرون آورد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که این صحنه را تماشا می کرد، چنین گفت: «خداوندا! برادرم موسی از تو درخواست نمود که روح او را گسترده گردانی و کارها را بر او آسان و گره از زبانش بگشایی تا مردم گفتارش را درک کنند و نیز درخواست کرد که هارون را که برادرش بود، وزیر و یاورش قرار دهی و به وسیله او، نیرویش را زیاد نمایی و در کارهایش شریک سازی. خداوندا! من محمد پیامبر و برگزیده توام، سینه ام را گشاده گردان و کارها را بر من آسان ساز. از خاندانم علی علیه السلام را وزیر من گردان تا به وسیله او، هشتم قوی و محکم گردد.»

ابوذر گوید: هنوز سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله پایان نیافته بود که جبرئیل نازل شد و به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: بخوان: «انما ولیکم الله و رسوله...»<sup>۱</sup>

به این وسیله، خدا به درخواست پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ مثبت داد و با نزول این آیه، علی علیه السلام به عنوان وزیر و پشتیبان نیرومند پیامبر صلی الله علیه و آله برگزیده شد.

#### ۴. انتخاب علی علیه السلام

آیه مبارکه ۶۷ سوره مائده درباره انتخاب و برگزیده شدن علی علیه السلام به عنوان جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ؛ ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً [به مردم] برسان و اگر نرسانی، رسالت او را انجام نداده ای و خداوند تو را از [خطرات احتمالی] مردم، نگاه می دارد و خداوند، جمعیت کافران [لجوج] را هدایت نمی کند.»

در آخرین سال عمر پیامبر ﷺ مراسم حجة الوداع، باشکوه هرچه تمام‌تر در حضور آن حضرت به پایان رسید. قلب‌ها در هاله‌ای از نور فرو رفته بود و لذت معنوی این عبادت بزرگ، هنوز در ذایقه جان‌ها انعکاس داشت.

یاران پیامبر ﷺ از خوشحالی درک این فیض بزرگ، در پوست نمی‌گنجیدند. یاران به سوی سرزمین «جُحْفَه» حرکت کردند تا این‌که دستور توقف از سوی پیامبر ﷺ به همراهان داده شد. مسلمانان با صدای بلند، آن‌هایی را که در پیشاپیش قافله در حرکت بودند، به بازگشت دعوت کردند. عقب‌افتادگان نیز به آنان ملحق شدند و مؤذن پیامبر ﷺ با صدای «الله اکبر»، مردم را به نماز ظهر دعوت کرد. بعد از اقامه نماز ظهر، پیامبر ﷺ با خواندن خطبه، به مردم اطلاع داد که باید برای شنیدن یک پیام مهم الهی خود را آماده کنند.

حضرت، پس از حمد و سپاس پروردگار و ذکر حدیث «ثقلین» به اطراف خود نگاه کرد و چشمش به علی رضی الله عنه افتاد. آن‌گاه دست او را گرفت و بلند کرد و با صدایی رسا فرمود: «چه کسی از همه مردم نسبت به مسلمانان از خود آنان سزاوارتر است؟» گفتند: خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله داناترند. پیامبر ﷺ فرمود: خدا، مولی و رهبر من است و من مولی و رهبر مؤمنانم و نسبت به آنان از خودشان سزاوارترم.<sup>۱</sup> سپس فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ؛ هِرْ كَسَ مِنْ مَوْلَا وَ رَهْبِرْ أَوْ هِسْتَم، عَلِيٌّ، مَوْلَا وَ رَهْبِرْ أَوْ هِسْتَم. خِدَاوَنَدَا! دُوسْتَانِ أَوْ رَا دُوسْتِ بَدَارِ وَ دَشْمَنَانِ أَوْ رَا دَشْمَنِ بَدَارِ.»

چون عُمر، علی رضی الله عنه را ملاقات کرد، گفت: «گوارا باد بر تو ای فرزند ابوطالب! تو مولا و رهبر من و تمام مردان و زنان با ایمان شدی.»<sup>۲</sup>

در تفسیر روح المعانی آمده که ابن عباس نقل کرده: این آیه درباره علی رضی الله عنه نازل شده؛ زمانی که خداوند به پیامبر ﷺ فرمان داد که علی رضی الله عنه را به عنوان رهبر و ولی برگزین و حضرت ترس داشت که مردم بگویند: پسر عموی خود را برای این مسئولیت

۱. ر.ک: مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۹ ش، ج ۵، ص ۸-۱۱.

۲. فخر رازی، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، پیشین، ج ۱۲، ص ۴۲.

نگرشی بر فضایل امام علی علیه السلام در منابع اهل سنت ■ ۹۵

برگزیده‌ای؟ سپس خداوند این آیه را در روز غدیر خم فر فرستاد و پیامبر صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفت و گفت: «من کنت...»<sup>۱</sup>.

سیوطی نیز از ابوسعید خدری نقل می‌کند که این آیه در روز غدیر خم، درباره علی علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد.<sup>۲</sup>

فخر رازی می‌گوید: این آیه درباره فضیلت علی علیه السلام نازل شد که بعد از نزول آیه، حضرت، دست علی علیه السلام را گرفت و گفت: «من کنت مولا...»<sup>۳</sup>.

## ب - روایات

روایات بسیاری درباره جایگاه علی علیه السلام در منابع اهل سنت آمده است. شخصی به ابن عباس گفت: فضایل علی علیه السلام خیلی زیاد است. تصور می‌کنم به سه هزار فضیلت برسد. ابن عباس گفت: اگر گفته شود سی هزار فضیلت، به واقع نزدیک‌تر است؛ تا سه هزار فضیلت. آن‌گاه گفت: اگر درختان قلم و دریاها مرکب و جن و انسان نویسنده و حساب‌گر شوند، نمی‌توانند فضایل امیرمؤمنان، علی علیه السلام را به شماره درآورند.<sup>۴</sup> اینک، به تعدادی از این روایات اشاره می‌کنیم:

### ۱. پیشگامی در ایمان

گروه بسیاری از علمای اهل سنت، بر این باورند که نخستین مردی که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد، علی علیه السلام بود؛ چنان‌که ابن سعد می‌نویسد: «علی علیه السلام، اولین فردی بود که نماز به جای آورد؛ در حالی که ده‌ساله بود.» و نیز از خود علی علیه السلام نقل می‌کند: «أنا أول من صلی او أسلم؛<sup>۵</sup> من، نخستین کسی هستم که [با رسول خدا] نماز گزارد یا اسلام آورد.»

۱. آلوسی، روح المعانی، پیشین، ج ۴، ص ۲۸۲.

۲. سیوطی، تفسیر الدر المنثور، پیشین، ج ۳، ص ۱۱۷.

۳. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۱۲، ص ۴۲.

۴. ابن جوزی بغدادی، یوسف بن فرغلی، تذکرة الخواص، تحقیق: سید محمدصادق بحر العلوم، تهران: مکتبه نینوا، ص ۱۳.

۵. ابن سعد، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر، ج ۳، ص ۲۱.

ابن اثیر<sup>۱</sup> و ابن عباس نیز همین عقیده را دارند.<sup>۲</sup>

عفیف‌کندی می‌گوید: «من تاجر بودم. ایام حج به مکه رفتم. نزد عباس (عموی پیامبر ﷺ) بودم که دیدم فردی آمد و در مقابل کعبه به نماز ایستاد. سپس زنی آمد و کنار او ایستاد. آن‌گاه نوجوانی آمد و همراه او مشغول نماز شد. به عباس گفتم: این چه آیینی است؟ گفت: او، محمد فرزند برادر من است که می‌پندارد خداوند او را به عنوان پیامبر ﷺ برانگیخته و این هم خدیجه، همسر او است و این نوجوان، علی بن ابی‌طالب است که [هر دو] به او ایمان آورده‌اند.»<sup>۳</sup>

## ۲. نخستین یار

سه سال بعد از بعثت پیامبر ﷺ حضرت مأمور شد که دعوت خویش را آشکار سازد و در آغاز نیز خویشان خود را دعوت به اسلام نماید؛ از این رو، آیه ۲۱۴ سوره شعرا نازل شد: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ؛ خویشان نزدیک خود را [از عذاب الهی] بیم ده.»

پیامبر ﷺ به علی رضی الله عنه مأموریت داد تا حدود چهل تن از شخصیت‌های بزرگ بنی‌هاشم را به مهمانی دعوت کند و غذایی از گوشت برای پذیرایی آماده سازد.

بعد از خوردن غذا، چون پیامبر ﷺ خواست سخن بگوید، ابولهب عموی حضرت، با سخنان سبک و بی‌اساس، مجلس را از آمادگی برای بیان موضوع مهم ابلاغ رسالت، بیرون برد و مهمانی بدون نتیجه پایان یافت. پیامبر ﷺ تصمیم گرفت که روز بعد، ضیافت دیگری ترتیب دهد. بار دیگر علی رضی الله عنه غذا آماده کرد و از حدود چهل تن را دعوت کرد و پیامبر ﷺ بعد از صرف غذا فرمود:

هیچ کس از مردم، چیزی بهتر از آنچه من برای شما آورده‌ام، نیاورده است. من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام. خداوند به من فرمان داده که شما را به سوی او دعوت نمایم. چه کسی از شما در این کار به من کمک می‌کند تا برادر و وصی و خلیفه من در میان شما باشد؟ هیچ کس پاسخ مثبت نداد؛ اما علی رضی الله عنه رو به پیامبر ﷺ کرد و گفت:

۱. ابن اثیر، ابی‌الحسن علی بن ابی‌الکرم، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۸۲.

۲. همان؛ الاستیعاب، پیشین، ج ۳، ص ۱۰۹۶.

۳. همان.



من تو را در این امر، یاری می‌کنم. پیامبر ﷺ دست بر گردن علی (ع) گذاشت و فرمود: «إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فِيكُمْ، فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا؛ همانا این (علی (ع))، برادر و وصی و جانشین من در میان شما است. سخنان او را بشنوید و از او اطاعت نمایید.» جمعیت برخاستند و با خنده به ابوطالب گفتند: به تو دستور داد که سخن فرزندت را بشنوی و از او اطاعت نمایی.<sup>۱</sup>

این جریان، در کتاب‌های مختلف تاریخی و تفسیری اهل سنت ذکر شده که بر خلافت و جانشینی علی (ع)، سند و مدرک بسیار محکمی است.

### ۳. ولی مؤمنان، بعد از پیامبر ﷺ

در موارد فراوانی، پیامبر ﷺ، علی (ع) را به عنوان وصی، ولی و سرپرست مؤمنان معرفی کرده است. از جمله، در روایتی آمده که پیامبر ﷺ گروهی را به فرماندهی علی (ع) برای جنگی اعزام نمود. بعد از جنگ، علی (ع) در غنایم تصرفی انجام داد که خوشایند عده‌ای نبود. چهار نفر از همراهان حضرت با هم پیمان بستند که جریان را به رسول خدا ﷺ گزارش کنند؛ چون یکی از آنان، موضوع را مطرح کرد، رسول خدا ﷺ از او اعراض کرد. دومی گفت: علی (ع) چنین و چنان کرد. پیامبر ﷺ از او هم اعراض کرد. سومی و چهارمی هم جریان را گفتند، «فَأَقْبَلَ عَلَيْهِمْ رَسُولُ اللَّهِ مُغْضِبًا فَقَالَ: "مَا تُرِيدُونَ مِنِّي، عَلِيٌّ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ وَهُوَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي؛ پیامبر ﷺ با خشم رو به آنان نمود و فرمود: از علی چه می‌خواهید؟ علی از من است و من از علی، و او ولی همه مؤمنان بعد از من می‌باشد.»<sup>۲</sup>

از این روایت و مانند آن، به خوبی استفاده می‌شود که رهبری و جانشینی پیامبر ﷺ و ولایت بر مؤمنان، بعد از پیامبر ﷺ از آن علی (ع) بوده و دیگران حق تصدی چنین مقامی را نداشتند.

۱. همان، ص ۵۸۵-۵۸۶؛ بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، تحقیق: عبدالرزاق المهدي، بیروت:

دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۴۸۱؛ رک: مسند احمد حنبل، پیشین، ج ۱، ص ۳۳۱.

۲. ذهبی، شمس‌الدین، سیر اعلام النبلاء، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۱۷ق، سیر الخلفاء الراشدين، ص ۲۳۲.

موضوع جانشینی علی علیه السلام، آن چنان روشن بود که هر انسان منصف و آگاه به مبانی دینی و آشنا با سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و خدمات و فداکاری‌های علی علیه السلام، به خوبی درک می‌کرد که کسی جز علی علیه السلام شایستگی این مقام را ندارد. همگان، حتی کسانی که این مقام را عهده‌دار شدند، به این که علی علیه السلام شایسته‌ترین فرد برای این مقام بود، اعتراف می‌کنند.

ابن عباس نقل می‌کند: من و علی علیه السلام با هم بودیم که عمر آمد و سلام کرد. از او پرسیدند: کجا می‌روی؟ گفت: به سوی «ینبع». علی علیه السلام به ابن عباس فرمود: او را همراهی کن. ابن عباس می‌گوید: بعد از آن که از «بقیع» گذشتیم، عمر گفت: سوگند به خدا که صاحب تو (علی علیه السلام)، شایسته‌ترین مردم برای این امر (خلافت) بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله بود؛ ولی ما از دو چیز ترسیدیم. ابن عباس می‌پرسد: آن دو را بیان کن. عمر پاسخ می‌دهد: سن کم او، و دوستی‌اش نسبت به فرزندان عبدالمطلب.<sup>۱</sup>

روشن است که هیچ کدام از این دو نمی‌تواند از شایستگی آن حضرت بکاهد؛ چون در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت به عنوان قاضی و حاکم یمین برگزیده می‌شود. همچنین فرماندهی بعضی از جنگ‌ها توسط پیامبر صلی الله علیه و آله، به او واگذار می‌گردد و دوستی او نسبت به فرزندان عبدالمطلب سبب نمی‌شد که حضرت بر خلاف عدل و حق عمل نماید و آنان را بدون شایستگی بر دیگران مقدم بدارد. در رعایت حق و اجرای عدالت و مساوات و رعایت شایسته‌سالاری، کسی به مقام و مرتبه آن حضرت نمی‌رسید. خود علی علیه السلام نیز تصور نمی‌کرد که او را از حقش بازدارند.

بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و عباس، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، در کنار بدن مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. عباس به حضرت گفت: دستت را بده تا با تو بیعت کنم؛ آن گاه مردم می‌گویند: عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله با پسر عم رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت کرد و دیگران مخالفت نخواهند کرد. علی علیه السلام که این کار را به مصلحت اسلام نمی‌دانست، آن را نپذیرفت؛ ولی به عباس گفت: «هَلْ يَطْمَعُ يَا عَمَّ فِيهَا طَامِعٌ غَيْرِي؛ ای عمو، آیا غیر از من

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، قاهره: دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۷؛ «والله ان كان صاحبك

هذا اولی الناس بالامر بعد وفاة رسول الله ألا انا خفناه علی اثنتین...»

کسی خود را کاندیدای این امر (خلافت) می‌کند؟» عباس گفت: به زودی متوجه خواهید شد.<sup>۱</sup>

این مطالب، نشان‌گر آن است که رهبری و پیشوای امت بعد از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، فقط برانده علی علیه السلام بود.

#### ۴. جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه

علی علیه السلام در تمام نبردها همراه رسول خدا و پرچمدار حضرت بود؛ ولی در جنگ تبوک حضور نداشت؛<sup>۲</sup> زیرا در مدینه به جای پیامبر صلی الله علیه و آله ماند. پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «لَا بُدَّ أَنْ أُقِيمَ أَوْ تُقِيمَ؛ [به جهت حساسیت شرایط و حضور منافقان و دشمنان در مدینه و احتمال ایجاد آشوب و ناامنی توسط آنان] یا باید من در مدینه باشم یا شما.» ولی بعد از خروج پیامبر صلی الله علیه و آله از مدینه، برخی مردم گفتند: علت ماندن علی علیه السلام در مدینه این بود که پیامبر صلی الله علیه و آله از علی ناراحت شده بود.

و بعضی گفتند: علی علیه السلام از همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله کراهت داشته و روابط آن دو، تیره شده است. چون علی علیه السلام از این موضوع آگاه شد، به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله رهسپار شد و جریان را با حضرت مطرح کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله از شنیدن این سخنان خنده کرد و فرمود: «یا علیُّ! أما تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي كَهَارُونَ مِنْ مُوسَى غَيْرَ أَنَّكَ لَسْتَ بِنَبِيٍّ؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ؛<sup>۳</sup> یا علی آیا راضی نیستی که نسبت تو به من، همانند هارون و موسی باشد؛ جز آن که تو پیامبر صلی الله علیه و آله نیستی. علی علیه السلام: بلی، ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله».

پیامبر صلی الله علیه و آله موضوع ماندن در مدینه و کنترل اوضاع را به اندازه‌ای مهم می‌داند که یا باید خودش در مدینه باشد، یا علی علیه السلام به جای وی در پایتخت اسلامی حضور داشته باشد

۱. همان، ج ۱، ص ۱۶۰-۱۶۱.

۲. غزوه تبوک، در سال نهم هجری واقع شد؛ اما در آن، درگیری رخ نداد.

۳. ابن سعد، الطبقات الكبرى، پیشین، ج ۳، ص ۲۳-۲۵؛ محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت: المكتبة الثقافية، ج ۵، ص ۱۸، ح ۴۰۸. در مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۳۳۱ آمده است که حضرت فرمود: «شایسته نیست که من [همراه سپاه بروم]؛ مگر این که تو به جای من باشی.» از این حدیث، به خوبی جایگاه و موقعیت علی علیه السلام روشن می‌شود.

و فرد دیگری در جهان اسلام در آن زمان جز این دو نفر وجود نداشتند که بتوانند این مسئولیت مهم را عهده‌دار گردند.

حدیث منزلت در بین فضایل علی علیه السلام، به اندازه‌ای دارای اهمیت است که برخی آن را مهم‌ترین فضیلت برای حضرت دانسته‌اند. مهدی عباسی، از سفیان ثوری پرسید: بهترین فضیلتی که برای علی علیه السلام نزد تو می‌باشد، برایم بیان کن. پاسخ داد: حدیث «أَنْتَ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا بَنِيَّ بَعْدِي»<sup>۱</sup> از این حدیث استفاده می‌شود که تمام مقام و منصب و فضایی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دارا بود، به جز مقام نبوت، علی علیه السلام آن‌ها را دارا بود؛ از جمله رهبری که از آن پیامبر صلی الله علیه و آله بود و بعد از حضرت، به علی علیه السلام تعلق داشت.

### ۵. دعای پیامبر صلی الله علیه و آله برای علی علیه السلام

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در موارد متعددی برای علی علیه السلام دعا کرد که از این موارد، می‌توان به جایگاه و منزلت علی علیه السلام در پیشگاه خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله پی بُرد.

از جمله، روایت شده که علی علیه السلام فرمود: این سخن که الآن نقل می‌کنم، تاکنون برای کسی نقل نکرده‌ام؛ زمانی از پیامبر صلی الله علیه و آله درخواست کردم که [از خداوند] برای من آمرزش و مغفرت بخواهد. حضرت فرمود: این کار را انجام می‌دهم. سپس نماز به جای آورد و دست‌ها را برای دعا بلند کرد. شنیدم که می‌گوید: «اللَّهُمَّ بِحَقِّ عَلِيٍّ عِنْدَكَ اغْفِرْ لِعَلِيٍّ؛ خدایا! به جایگاهی که علی علیه السلام نزد تو دارد، سوگندت می‌دهم که علی علیه السلام را مورد بخشش قرار دهی.»

گفتم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله این چه دعایی بود که کردید؟ فرمود: «أَوْ أَحَدٌ أكرمُ مِنْكَ عَلَيْهِ فَاسْتَشْفَعُ بِهِ إِلَيْهِ؛<sup>۲</sup> آیا کس دیگری در پیشگاه خدا گرامی‌تر از تو هست که او را واسطه قرار دهم؟»

۱. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، پیشین، ج ۴، ص ۷۱، ش ۱۶۹۳.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، پیشین، ج ۲۰، ص ۳۱۶.

## ج - دیدگاه‌ها

آنچه ملاحظه نمودید، جایگاه امام علی علیه السلام از دیدگاه آیات و روایات بود. در ادامه، به بررسی نظر اندیشمندان اهل سنت می‌پردازیم.

### ۱. فضایل بی‌شمار علی علیه السلام

خطیب بغدادی می‌نویسد:

«وَمَنَاقِبُهُ أَشْهَرُ مِنْ أَنْ تُذَكَّرَ وَفَضَائِلُهُ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَرَ؛ مناقب او، مشهورتر از آن است که ذکر شود و فضایل او، بیشتر از آن است که بتوان آن‌ها را به شماره آورد.»<sup>۱</sup>

### ۲. علی علیه السلام، زینت خلافت

عبدالله حنبل، از پدرش احمد حنبل نقل می‌کند:

«گروهی از مردم محله کرخ بغداد، نزد پدرم آمدند و درباره خلافت ابوبکر، عمر، عثمان و حضرت علی علیه السلام گفت‌وگو و بحث کردند. پدرم سر بلند کرد و گفت: ای مردم! درباره خلافت و حضرت علی علیه السلام گفت‌وگوی بسیاری انجام دادید. خلافت و رهبری، موجب زینت و افتخاری برای علی علیه السلام نبود؛ بلکه این بود که به خلافت و رهبری زینت بخشید.»<sup>۲</sup>

آری، این علی علیه السلام نبود که به دنبال خلافت باشد؛ بلکه خلافت، جویای علی علیه السلام بود.

### ۳. انزوای علی علیه السلام

بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، اوضاع جامعه و حوادثی که رخ داد، شرایط را به صورتی رقم زد که علی علیه السلام ناچار شد صحنه‌های سیاسی و نظامی و اجتماعی را رها کند. البته در مواردی، از وجود حضرت در حل معضلات علمی و قضایی و مشاوره دادن به مسئولان استفاده می‌شد؛ ولی سیاست اصلی این بود که مردم فضایل و خدمات علی علیه السلام را فراموش کنند.

۱. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، پیشین، ج ۱، ص ۱۳۳.

۲. همان، ص ۱۳۵.

ابن ابی‌الحدید از محمد بن سلیمان نقل می‌کند:

یکی از علل اختلاف بعد از عمر، تشکیل شوری بود؛ چون هر یک از اعضای شورا، به خلافت تمایل داشتند؛ طلحه در انتظار خلافت بود و زبیر نیز که خود را شایسته خلافت می‌دانست، به او کمک می‌کرد.

آنان بیش از علی علیه السلام به خلافت چشم دوخته بودند. دلیلش هم آن بود که او را از چشم مردم انداخته بودند و حرمت او را در میان جامعه خورد کرده بودند و در واقع، فراموش شده بود و نسلی که به وجود آمده بود، او را مانند سایر مسلمانان می‌پنداشتند. افتخارات او، خلاصه شده بود در این که آن حضرت، پسر عمو و داماد پیامبر صلی الله علیه و آله و پدر نوه‌های او است. قریش نیز چنان نسبت به او کینه داشت که نسبت به کس دیگری چنین نبود؛ بر عکس، قریش، طلحه و زبیر را دوست می‌دانستند.<sup>۱</sup>

#### ۴. راهنمای مردم

حسن بصری درباره علی علیه السلام می‌گوید: «أَرَاهُمَ السَّبِيلَ وَأَقَامَ لَهُمُ الدِّينَ إِذَا أَعْوَجَ»<sup>۲</sup>، او، راه [درست] را به آنان نمایاند و دین را از کجی و انحراف نجات داد؛ آن زمان که به انحراف کشیده شده بود.»

در زمان حاکمان پیشین، تبعیض‌ها، بی‌عدالتی‌ها و تقسیم بیت‌المال بر اساس معیارهای غیر اسلامی، کاملاً رایج شده بود و اصلاح این کارها، عملی بسیار دشوار به حساب می‌آمد؛ ولی امام علی علیه السلام در حد توان کوشید که به تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها پایان دهد؛ مثلاً در گذشته تقسیم بیت‌المال، براساس سوابق اسلامی و ترکیب قبایلی و... انجام می‌شد. زمانی که امام خلیفه شد، تقسیم اموال را به صورت مساوی انجام داد.

او در سخنرانی آغازین خود فرمود: «وَأِنِّي حَامِلُكُمْ عَلَىٰ مَنْهَجِ نَبِيِّكُمْ صلی الله علیه و آله؛ من، بر اساس روش پیامبرتان با شما رفتار خواهم کرد.» امام، برتری مهاجران و انصار را امری معنوی به حساب می‌آورد که نزد خدا محفوظ است و پاداش آن، نزد خدا است.

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، پیشین، ج ۹، ص ۲۸.

۲. کوفی، عبدالله بن محمد، مصنف ابن ابی‌شیبیه، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۵۰۵.

نگرشی بر فضایل امام علی علیه السلام در منابع اهل سنت ■ ۱۰۳

روز بعد، امام به عبیدالله بن ابی رافع دستور داد: هر کس آمد، سه دینار به او بدهد. همان جا سهل بن حنیف اعتراض کرد این فرد، غلام من بود که دیروز او را آزاد کردم. چرا سهم ما یکسان شد. امام فرمود: به همه سه دینار داده می‌شود و کسی را بر دیگری برتری نخواهیم داد و خداوند دنیا را اجر و پاداش پرهیزکاران قرار نداده است.<sup>۱</sup>

### ۵. سه فضیلت مهم علی علیه السلام

عبدالله عمر می‌گوید: «به فرزند ابوطالب، علی علیه السلام سه فضیلت داده شده که اگر یکی از آن‌ها به من داده می‌شد، برایم بهتر از شتران سرخ مو<sup>۲</sup> بود:

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دختر خویش را به ازدواج علی علیه السلام در آورد و از او فرزندان به وجود آمد؛

- تمام دره‌هایی که به مسجد باز می‌شد، بسته شد، جز در خانه علی علیه السلام؛

- در جنگ خیبر، حضرت پرچم اسلام را به دست علی علیه السلام داد.<sup>۳</sup>

این فضایل و سایر فضیلت‌هایی که برای حضرت بیان شد، به جهت شایستگی و خدمات ارزنده و نقش مهم علی علیه السلام در حفظ و تقویت اسلام، به او ارزانی شد و دیگران دارای چنین ویژگی‌هایی نبودند. آری، هیچ کس به مقام و عظمت علی علیه السلام نمی‌رسد و کسی از جایگاه والای او آگاه نیست.

۶. ابن عباس (عبدالله) درباره علی علیه السلام می‌گوید: «وَاللَّهِ لَقَدْ أُعْطِيَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ تِسْعَةَ أَعْشَارِ الْعِلْمِ وَأَيْمُ اللَّهِ لَقَدْ شَارَكَكُمْ فِي الْعُشْرِ الْعَاشِرِ؛<sup>۴</sup> به خداوند سوگند! همانا به علی بن ابی‌طالب نه دهم دانش داده شده و در جزء دهم نیز با شما شریک است.»

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، پیشین، ج ۷، ص ۳۶-۳۷.

۲. شتر سرخ‌موی، از اموال بسیار با ارزشی بود که داشتن آن‌ها برای مردم آن عصر مهم بود.

۳. مسند احمد، پیشین، ج ۲، ص ۲۶: «... زَوْجَهُ رَسُولُ اللَّهِ ابْنَتُهُ وَوَلَدَتْ لَهُ وَ سَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ فِي الْمَسْجِدِ، وَ أَعْطَاهُ الرَّأْيَةَ يَوْمَ خَيْبَرَ.»

۴. ابن عبدالبر، ابی‌عمر یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، بیروت: دار الجیل، چاپ اول، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۱۰۴.

۷. یکی از صحابه پیامبر خدا ﷺ درباره آن حضرت می‌گوید: «لَقَدْ جَاءَ فِي عَلِيٍّ مِنْ الْمَنَاقِبِ لَوْ أَنَّ مَنَقِبًا مِنْهَا قُسِمَ بَيْنَ النَّاسِ لَأَوْسَعَهُمْ خَيْرًا؛<sup>۱</sup> همانا درباره علی عليه السلام آن چنان فضایل و مناقبی آمده که اگر یکی از آن فضایل، میان مردم تقسیم شود، خوبی و نیکی همه آنان را فرامی‌گیرد.»

۸. بعد از شهادت علی عليه السلام معاویه می‌گوید: «ذَهَبَ الْفِقْهُ وَالْعِلْمُ بِمَوْتِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ با مردن فرزند ابوطالب، فقه و دانش از میان رفت.» وقتی برادرش، عقبه به او گفت: «لَا يَسْمَعُ هَذَا مِنْكَ أَهْلُ الشَّامِ فَقَالَ: دَعْنِي عَنكَ؛ مراقب باش که مردم شام این سخن را از تو نشنوند»، پاسخ داد: «مرا آزاد بگذار (این سخن را رها کن).»<sup>۲</sup>

۹. عایشه درباره آن حضرت می‌گوید: «... أَمَا أَنَّهُ أَعْلَمُ النَّاسِ بِالسُّنَّةِ؛<sup>۳</sup> همانا او، آگاه‌ترین مردم نسبت به سنت (سیره و روش) پیامبر خدا ﷺ بود.»

۱۰. عمر، خلیفه دوم، درباره آن حضرت می‌گوید: «عَلِيٌّ أَقْضَانَا؛<sup>۴</sup> علی عليه السلام از نظر قضاوت و داوری، از همه ما برتر بود.» همچنین نقل شده که: «عُمَرُ، يَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنْ مُعْظَلَّةٍ لَيْسَ لَهَا أَبُو حَسَنٍ؛<sup>۵</sup> عمر به خدا پناه می‌برد، از این که مشکل و مسأله پیچیده‌ای پیش آید و ابوحسن، علی عليه السلام [برای برطرف کردن آن] حضور نداشته باشد.»

دقت در مطالبی که ذکر شد و نیز مطالعه فضایل و کمالات و خدمات بی‌بدیل امام علی عليه السلام به اسلام در منابع اهل سنت، برای انسان بانصاف و خردورز روشن می‌گرداند که تنها علی عليه السلام لیاقت و شایستگی رهبری جامعه اسلامی را دارا بود؛ اما متأسفانه، به جهت حسادت‌ها، کینه‌ها، خودخواهی‌ها، ریاست‌طلبی‌ها و قبیله‌گرایی‌ها، این امر تحقق نیافت و از این رهگذر، خسارت جبران‌ناپذیری به امت اسلامی وارد شد.

۱. کوفی، مصنف ابن‌ابی‌شبیبه، پیشین، ج ۷، ص ۵۰۵.

۲. ابن‌عبدالبر، الاستیعاب، پیشین، ج ۳، ص ۱۱۰۸.

۳. همان، ص ۱۱۰۴.

۴. همان، ص ۱۱۰۲.

۵. همان، ص ۱۱۰۳.